

## پیامدهای کیفری ناشی از قصور پزشکی منجر به فوت و راه کارهای قانونی آن

دکتر هادی رستمی\*، دکتر عبدالرزاق برزگر بفروئی\*\*، دکتر علی اصغر قربانی\*\*\*

\* دکتری حقوق جزا، استادیار دانشگاه بوعلی همدان، همدان، ایران  
\*\* متخصص پزشکی قانونی، عضو هیات علمی مرکز تحقیقات پزشکی قانونی و سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران  
\*\*\* پزشک قانونی و کارشناس ارشد حقوق جزا، عضو مرکز تحقیقات سازمان پزشکی قانونی، تهران، ایران

### چکیده

یکی از موضوعات چالش برانگیز و پرابهام برای بسیاری از گروه‌ها از جمله کادر پزشکی در موارد قتل‌های غیر عمد ناشی از تقصیر، تعیین مجازات حبس مقرر در ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات می‌باشد. مهم‌ترین پیامد کیفری قتل ناشی از تقصیر، که ماهیتاً شبه‌عمدی نامیده می‌شود، مجازات حبس مندرج در ماده یاد شده است. در ماده مذکور برای قتل غیر عمدی که به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالائی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته و یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شده باشد، حبس از یک تا سه سال و نیز پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم پیش‌بینی شده است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ با توجه به ماده ۲۲، در صورت وجود جهات تخفیف، قضات مختار به تخفیف یا تبدیل مجازات بودند و در غالب موارد حبس به جزای نقدی تبدیل می‌شد؛ اما با توجه به اصلاحات و تغییرات بنیادین در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تدوین مقررات تخفیف بر اساس نظام درجه‌بندی، در حال حاضر در مواجهه با مجازات حبس موضوع ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات، سهولت گذشته برای تخفیف مجازات وجود ندارد و حبس به راحتی قابل تبدیل به جزای نقدی نیست. با این حال، به رغم تحولات صورت پذیرفته و موانع پیش‌رو، راه‌هایی برای برون‌رفت از چالش‌های مربوط به کیفر حبس مندرج در ماده اخیر وجود دارد. در این مقاله با استفاده از ماده‌های قانونی موجود از جمله مواد فصل‌های چهارم و ششم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی (کلیات)، راه کارهای قانونی برای تعدیل، تقلیل و تعلیق مجازات سالب آزادی موضوع ماده ۶۱۶ مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قتل غیر عمد، قتل شبه‌عمد، تقصیر، تخفیف، تعلیق، مجازات‌های جایگزین

تایید مقاله: ۹۳/۱۰/۱۷

وصول مقاله: ۹۳/۴/۱۰

شماره تماس: ۵۵۶۰۹۰۷۱ - ۰۲۱

نویسنده پاسخگو: سازمان پزشکی قانونی کشور، خیابان بهشت، تهران، ایران Dr.aaghorbani@yahoo.com

### مقدمه

جسمانی و روانی بیمار توسط پزشک مطرح است (انگیزه احسان) لاجرم تصور جنایت عمدی غیرممکن و خروج تخصصی دارد. ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات از مهم‌ترین مواد برای موارد قتل غیر عمد ناشی از تقصیر مرتکب است. با وجودی که ماده مزبور عمومیت داشته و به همه افراد و اصناف و مشاغل و حوادث (غیر از تخلفات رانندگی) تسری می‌یابد، اما در بین جامعه پزشکان و افراد دخیل در درمان بیماران به دلیل ماهیت و طبیعت کار درمان، که همواره تابع انگیزه احسان و نیکوکاری است، سبب بروز نگرانی‌هایی شده است. عدم روشن شدن موضوع و تداوم این دغدغه‌ها، می‌تواند نتایج زیانباری را برای بیماران و تبع آن برای خانواده‌ها و حتی مسؤولان به بار آورد. در ذیل پس از بیان برخی کلیات، پیامدهای کیفری و راه کارهای قانونی لازم بررسی شده تا شاید به تبیین موضوع و کاهش نگرانی‌های اخیر در خصوص

جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد، در زمره مهم‌ترین و سنگین‌ترین جرایم قرار می‌گیرند که در فقه جزایی اسلام از آن با عنوان «جنایات» یاد می‌شود. شدیدترین نتیجه حاصل از ارتکاب جنایات، قتل است. این نتیجه مجرمانه بسته به قصد و رفتار مرتکب، پیامدهای قانونی متفاوتی برای او به همراه خواهد داشت. گاه مرتکب قصد فعل و نتیجه مجرمانه را دارد که در این صورت جنایت ارتكابی مشمول تعریف عمد می‌گردد و در مواردی قصد فعل داشته ولی قصد نتیجه حاصل را ندارد، که جنایت ارتكابی اصولاً شبه‌عمدی و در مواردی نه قصد فعل نه قصد نتیجه دارد که جنایت در این حالت خطای محض محسوب می‌شود. وقتی مساله روابط پزشک و بیمار و موضوع درمان و کاهش تألمات

توجه اتهام به جامعه پزشکی مددی برساند.

## بحث

### بخش نخست: تبیین ماهیت جنایات ناشی از عملیات

#### پزشکی

ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تنها ماده قانونی مربوط به قتل غیر عمد ناشی از تقصیر، از جمله فوت بیماران متعاقب معالجات پزشکی، می‌باشد که مجازات حبس تعزیری برای مرتکب پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده مزبور «در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد».

با اندکی تأمل در ماده فوق مشخص می‌گردد که برای شمول مجازات حبس مندرج در آن، دو شرط مطرح شده است: ۱- حدوث قتل غیر عمد مگر اینکه خطای محض باشد و ۲- وجود بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات. موارد احصا شده در شرط دوم با عنایت به مندرجات تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا.ج جدید، در حقیقت مصادیق خطای جزایی یا تقصیر می‌باشند. ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماهیت قتل‌های غیر عمدی ناشی از تقصیر را شبه‌عمد محسوب کرده و احکام و آثار جنایت شبه‌عمدی را بر آن‌ها بار کرده است.

#### ۱- جنایت شبه‌عمد

در نظام حقوقی ایران، صدمات جسمانی به صورت کلی به دو دسته عمد و غیر عمد طبقه‌بندی می‌شوند و جنایات غیر عمد نیز به دو گروه کلی شبه‌عمد و خطای محض تقسیم می‌گردند. در نوشته‌های فقهی و حقوقی، تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای قتل ارائه شده که مشهورترین و مستندترین ملاک، همان قصد مرتکب می‌باشد. شبه‌عمد<sup>۱</sup> جنایتی است که وقوع آن مقصود جانی نبوده است، هر چند فعل واقع شده بر مجنی علیه را قصد کرده باشد. غالب حقوق‌دانان اسلامی [نیز] ممیزه جنایات عمد از شبه‌عمد را ویژگی رکن روانیدانسته، ضابطه شبه‌عمد را عمد در فعل و خطای در نتیجه ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup> با این حال، قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ۲۹۱ با عدول از ضوابط مذکور، جنایت شبه‌عمدی را در سه حالت پیش‌بینی می‌کند، و بر این اساس، می‌توان گفت که جنایت شبه‌عمدی جنایتی است که با وجود قصد ارتکاب رفتار مشمول تعریف جنایت عمدی نمی‌شود<sup>۳</sup> و یا اینکه به علت جهل به موضوع و یا تقصیر مرتکب واقع می‌شود. در واقع، شبه‌عمد حدفاصل

عمد و خطا است و در مرز بین عمد و خطای محض در نوسان است. در بند ب ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به پیروی از نظر مشهور فقها، جنایت واقع شده به وسیله پزشک از مصادیق شبه‌عمد محسوب شده بود که به علت اشاره به اقدام متعارف پزشک (یعنی عدم تقصیر) عاری از اتهام نبود؛ اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ معیارهای روشن‌تری برای تعریف جنایات شبه‌عمدی ارائه کرده است که لاجرم حوادث پزشکی نیز شامل این معیارها می‌شوند. طبق ماده ۲۹۱ جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود:

الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته، لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.

ب- هرگاه مرتکب جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان یا افراد مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

پ- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب، واقع شود، مشروط بر این که جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی، نباشد. با توجه به بند پ، جنایات ناشی از تقصیر، به شرط عدم شمول تعریف جنایت عمدی، شبه‌عمد محسوب می‌شوند. بی‌گمان، حوادث جانی ناشی از قصور یا تقصیر پزشکی در این دسته قرار می‌گیرند. اما پرسش آن است که در چه صورتی می‌توان رفتار مرتکب را تقصیر محسوب کرد؟ پاسخ به این پرسش در گرو مفهوم‌شناسی تقصیر است.

#### ۲- مفهوم‌شناسی تقصیر

تقصیر مصدر عربی از ریشه قَصَرَ است. در ادبیات فارسی در معانی کوتاهی کردن، سستی کردن، بازماندن از چیزی، قصور و کوتاهی، سهو، غفلت، جرم، گناه و... به کار رفته است. در اصل تقصیر یک مفهوم اخلاقی است و از حوزه اخلاق به حوزه حقوق سرایت کرده است.<sup>۴</sup> تقصیر عنصر معنوی جرایم غیر عمدی محسوب می‌شود. جرم با اجتماع سه عنصر (عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی) واقع می‌گردد. منظور از عنصر قانونی این است که جرم و مجازات باید مستند به قانون بوده و مرتکب هیچ رفتاری را نمی‌توان مجازات کرد مگر به موجب قانون (ماده‌های ۲ و ۱۲ ق.م.ا). عنصر مادی نیز شامل رفتار مرتکب می‌گردد، اما عنصر معنوی به فعل و انفعالات ذهنی مرتکب گفته می‌شود که در جرایم عمدی به صورت سوءنیت (تفکر مجرمانه) و در جرایم غیر عمدی در قالب قصور یا تقصیر و یا به تعبیر برخی حقوق‌دانان به شکل خطای جزایی یا عدم تفکر به میزان مورد انتظار جامعه نشان داده می‌شود.<sup>۵</sup> در واقع، رفتار قابل سرزنش همان تقصیر است که در حقوق آن را نوعی تخلف از ضوابط یا نقض تعهد و الزامات می‌دانند.<sup>۶</sup> در ماده ۹۵۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ ش. آمده

۵. قاسم زاده، ۱۳۸۵ ش.، ص ۱۲

۶. رستمی، ۱۳۹۲ ش.، ص ۱

۷. ره‌پیک، ۱۳۸۸ ش.، ص ۲۶

۱. زراعت، ۱۳۸۴ ش.، ص ۱۷۵

۲. صادقی، ۱۳۸۵ ش.، ص ۱۸۳

۳. صادقی، ۱۳۸۵ ش.، ص ۱۸۷

۴. بنگرید به: مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

کردن خون در شکم بیمار قرار داده، برنمی‌دارد. در اینجا برداشتن گاز مصداق ترک فعل و بی‌احتیاطی تفسیر شده است. برخی بر این باورند تعریف «قانون راجع به مجازات اخلاص گران در صنایع نفت ایران» از بی‌مبالاتی و غفلت نادرست و مبتنی بر خلط مفاهیم حقوقی با یکدیگر است زیرا تعریف یاد شده همان بی‌احتیاطی است که یک نوع فعل می‌باشد در صورتی که واژه بی‌مبالاتی به طور معمول در سایر قوانین و مقررات و همچنین نوشته‌های حقوقی از نوع ترک فعل است.<sup>۱۱</sup>

با این حال، صرف‌نظر از اینکه کدام یک از تعریف‌های فوق در مورد بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی صحیح است از آنجا که هر دو عنوان از مصادیق تقصیر هستند و در قانون نیز بین پیامدهای کیفری ناشی از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی تفاوتی قائل نشده است، بنابراین در صورت اثبات و حصول هر یک از آنها، تقصیر مستقر می‌گردد و مرتکب باید پذیرای نتایج قانونی آن باشد.

#### ۲،۲- قصور / تقصیر<sup>۱۲</sup>

در بعضی نوشته‌ها و کتاب‌ها قصور را در مقابل تقصیر به کار برده‌اند. قصور در فقه نیز مقابل تقصیر به کار رفته است.<sup>۱۳</sup> در برخی منابع، تعریف‌های گوناگونی از این دو واژه عرضه کرده‌اند. به باور برخی، تفاوت قصور با تقصیر در این است که قصور به خطایی اطلاق می‌شود که از روی سهو سرزند در حالی که تقصیر به خطای عمومی گفته می‌شود<sup>۱۴</sup> یا تقصیر خطایی شدیدتر از قصور است؛ اما باید گفت صرف‌نظر از این تعاریف و برخی تفاوت‌ها که به آن اشاره کرده‌اند، قانون مجازات اسلامی تفاوت موثری بر این دو قائل نشده است و در آن تمایزی برای این دو وجود ندارد و بر همین اساس گفته شده که قصور و تقصیر ماهیتاً تفاوتی نداشته و هر دو در گفتمان حقوق کیفری در یک مفهوم به کار گرفته می‌شوند و از این رو، تفکیک آن‌ها نه تنها ضرورتی ندارد، بلکه آثار گوناگونی بر آن مترتب نیست.<sup>۱۵</sup>

### بخش دوم: بررسی پیامدهای کیفری و راهکارهای قانونی

#### ۱- مجازات‌ها

مجازات جنایات ناشی از تقصیر، آن‌سان که در ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات تصریح شده، دیه و گاه تعزیر (حبس) است که در ادامه بررسی می‌گردد.

۱،۱- دیه: طبق ماده ۱۷ ق.م.ا. دیه اعم از مقدر و غیرمقدر مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضا و منافع

۱۱. یاد، ۱۳۵۲، ش.، ص ۱۸۵  
 ۱۲. طبق ماده ۴۹۵ ق.م.ا، شرط ضمان پزشک در معالجاتی که منجر به تلف یا صدمه بدنی گردد، تقصیر وی در علم یا عمل دانسته شده است. در تبصره ۱ ماده مذکور آمده است: «در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت اخذ نکرده باشد».

۱۳. عباسی، ۱۳۷۹، ش.، ص ۶۷

۱۴. عباسی، ۱۳۷۹، ش.، ص ۶۷

۱۵. رستمی، ۱۳۹۲، ش.، ص ۳

است: «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط» برخی با استناد به تعریف مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی از تعدی و تفریط بر این باورند «تقصیر عبارت است از انجام عملی که شخص نمی‌بایست مرتکب شود (تعدی)، یا ترک عملی که شخص می‌بایست انجام دهد (تفریط)».<sup>۱۶</sup> تعریف مذکور از تقصیر از آنجا که با عمد تداخل می‌کند در چارچوب حقوق کیفری، که برخلاف حقوق مدنی، تقصیر شامل موارد عمدی نمی‌شود، جامع و مانع نبوده و دست‌کم مفهوم تقصیر را در حقوق کیفری روشن نمی‌کند. بنابراین می‌توان تقصیر را تجاوز از ضابطه رفتاری یک انسان متعارف در شرایط خاص دانست که از روی عدم تفکر و بدون سوءنیت واقع شده است.

#### ۲،۱- مصادیق قانونی تقصیر

در برخی از ماده‌های قانونی عنوان تقصیر استفاده شده است. تبصره ماده ۳۳۶ ق.م.ا. ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «تقصیر اعم است از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی». تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا. جدید اشعار می‌دارد: «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود». بنابراین، مصادیق قانونی تقصیر بر اساس ماده مزبور همان بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. اگرچه قانون‌گذار تنها مصادیق تقصیر را ذکر کرده و تعریفی برای آن‌ها ارائه ننموده، ولی در یک قانون خاص دو مصداق از مصادیق تقصیر را تعریف کرده است. طبق تبصره ماده ۸ قانون راجع به مجازات اخلاص گران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶ «منظور از بی‌مبالاتی اقدام به امری است که مرتکب نمی‌بایست به آن مبادرت نموده باشد و منظور از غفلت خودداری از امری است که مرتکب می‌بایست به آن اقدام نموده باشد اعم از اینکه منشاء بی‌مبالاتی یا غفلت، عدم اطلاع و عدم مهارت یا عدم تجربه یا عدم رعایت قانون یا مقررات یا اوامر یا نظامات یا عرف و عادت باشد». بر اساس قانون مزبور «بی‌مبالاتی» با ارتکاب فعل و غفلت، که همان بی‌احتیاطی است، با ترک فعل نمایان می‌شود.<sup>۱۷</sup> با توجه به این که از نظر قانون‌گذار قانون مجازات اسلامی کلیه مصادیق تقصیر یا مصداقی از بی‌احتیاطی هستند یا بی‌مبالاتی، لذا می‌توان آن‌ها را به شرح زیر تعریف کرد:

بی‌مبالاتی: بی‌مبالاتی انجام فعلی است که مرتکب نسبت به عواقب و پیامدهای آن فکر نکرده است. مانند آن که یک پزشک داروهای نامناسبی را بدون توجه به عوارض آن برای بیمار تجویز می‌کند و در نتیجه بیمار آسیب دیده یا فوت می‌نماید.

بی‌احتیاطی: بی‌احتیاطی به عدم اقدام به امری گفته می‌شود که باید انجام می‌شد. بی‌احتیاطی با ترک فعل همراه است و ترک فعل همراه با عدم تفکر در شرایط خاص را بی‌احتیاطی می‌گویند؛<sup>۱۸</sup> مانند پزشکی که حین عمل جراحی در اثر فراموشی گاز استریلی را که برای جمع

۱۶. قاسم زاده، ۱۳۸۵، ش.، ص ۳

۱۷. رستمی، ۱۳۹۲، ش.، ص ۳

۱۸. رستمی، ۱۳۹۲، ش.، ص ۳

شرایط تعیین مجازات جایگزین حبس و انواع آن‌ها را بیان کرده است. طبق ماده مزبور: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف<sup>۱۶</sup> با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجراء می‌شود. در مواد بعدی، بسته به نوع جرایم و مجازات قانونی آن‌ها، در مورد حکم به مجازات جایگزین توضیحات اختصاصی تری داده است. در ماده ۶۸ آمده است: «مرتکبان جرایم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر این‌که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است». از آنجا که مجازات قانونی فوت ناشی از تقصیر مرتکب مندرج در ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات، یک تا سه سال حبس است، بنابراین وفق قسمت اخرای ماده ۶۸، صدور حکم به مجازات جایگزین حبس - با حصول شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا - در صورت تشخیص و صلاح دید دادگاه بلامانع است. ناگفته پیداست که اعمال هر یک از مجازات‌های جایگزین حبس - حتی در موارد حبس‌های کمتر از دو سال - منوط به گذشت شاکی و وجود دست‌کم یکی از جهات تخفیف است. در ادامه مجازات‌های جایگزین حبس به تفکیک تبیین گردیده است.

#### ۲.۱.۱- جزای نقدی

یکی از مجازات‌های جایگزین حبس، جزای نقدی است. در صورت حصول شرایط چنانچه قاضی بخواهد حکم به جزای نقدی دهد از آنجا که مجازات تعزیر ماده ۶۱۶ منطبق بر بند ت ماده ۸۶ ق.م.ا می‌باشد، بنابراین جزای نقدی از سی و شش میلیون (۳۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هفتاد و دو میلیون (۷۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال خواهد بود.

#### ۲.۱.۲- جزای نقدی روزانه

یکی دیگر از مجازات‌های جایگزین حبس، جزای نقدی روزانه (معادل یک‌چهارم تا یک‌هشتم درآمد روزانه محکوم) است که شرح آن در ماده ۸۵ ق.م.ا آمده است. با عنایت به این که مجازات تعزیر ماده ۶۱۶ منطبق بر بند ت ماده ۸۵ ق.م.ا بوده، لذا یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه به مدت ۷۲۰ تا ۱۴۴۰ روز (حدود ۴-۲ سال) به عنوان جزای نقدی روزانه مورد حکم قرار خواهد گرفت.

#### ۲.۱.۳- خدمات عمومی رایگان

از جمله مجازات‌های جایگزین حبس، خدمات عمومی رایگان است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح مذکور در ماده ۸۴ ق.م.ا مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء

۱۶ جهات تخفیف در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی احصا شده است. برخی از این جهات عبارتند از: گذشت شاکی خصوصی، وجود انگیزه شرافتمندانه، ندامت، حسن سابقه یا وضع خاص متهم، خفیف بودن زیان وارده و...

و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود. در ماده‌های ۴۴۸ و ۴۴۹ ق.م.ا تعریف مسووط‌تری از دیه مقدر و دیه غیر مقدر (ارش) آمده است. بر طبق ماده ۵۵۵ ق.م.ا هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی‌علیه هر دو در ماه‌های حرام «محرّم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه» یا در محدوده حرم مکه واقع شود خواه جنایت عمدی خواه غیر عمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک‌سوم دیه نیز افزوده می‌گردد.

۱.۲- تعزیر: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود. (ماده ۱۸ ق.م.ا) جنایت شبه عمد می‌تواند هم شامل جنایات بر نفس (قتل) باشد و هم شامل جنایات بر اعضا و منافع؛ دیه جنایت در هریک از حالات و سطوح مذکور مستقر می‌گردد ولی تنها در قتل ناشی از تقصیر حبس تعزیری به مدت یک تا سه سال به موجب ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات تعیین و اعمال می‌شود. البته در جرایم ناشی از تخلفات رانندگی، اعم از این که منتهی به قتل شود یا منجر به آسیب اعضا یا منافع گردد، به موجب ماده‌های ۷۱۴ الی ۷۱۹ قانون تعزیرات، حسب مورد حبس یا جزای نقدی تعیین می‌گردد.

لازم به ذکر است که با گذشت مجنی‌علیه یا ولی دم او، دیه، ساقط می‌گردد، اما مجازات تعزیری به قوت خود باقی مانده و تنها در صورتی با گذشت شاکی ساقط می‌شود که جرم مذکور در زمره جرایم قابل گذشت باشد. در ماده ۱۰۴ ق.م.ا مواد مربوط به جرایم قابل گذشت احصاء شده‌اند که در آن ماده ۶۱۶ دیده نمی‌شود؛ بنابراین جرم موضوع ماده مذکور در دسته جرایم غیر قابل گذشت قرار می‌گیرد و گذشت شاکی تأثیری در تعقیب و مجازات مرتکب ندارد، هر چند که در برخی شرایط می‌تواند در تخفیف یا تبدیل مجازات تأثیرگذار باشد.

#### ۲- راه‌کارهای قانونی در ارتباط با مجازات تعزیری

در زیر راه‌کارهای قانونی از قبیل مجازات‌های جایگزین، تخفیف، تبدیل و تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی جدید بررسی و تبیین گردیده است. با توجه به تغییرهای به عمل آمده در قانون جدید، از جمله تغییر ساختار مجازات‌های تعزیری، شرایط و تمهیدات تازه‌ای پیش‌بینی شده که بر تعیین و اجرای مجازات می‌تواند تأثیرگذار باشد.

#### ۲.۱- مجازات‌های جایگزین حبس

امکان جایگزین کردن مجازات حبس با مجازات‌های دیگر تاسیس تازه‌ای نیست و پیش‌تر در قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی، با لحاظ شرایط و محدودیت‌هایی پیش‌بینی شده بود. با این حال، جایگزین‌های حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تفصیل و با ذکر جزئیات و نوآوری‌های فراوان و با ابتنا بر نظام درجه‌بندی مقرر شده‌اند. ماده ۶۴،

تکمیلی در کنار مجازات اصلی (حبس) مورد حکم قرار دهد که در این صورت طبق تبصره ۱ ماده ۲۳ ق.م.ا و قسمت اجرای ماده ۸۷ ق.م.ا مدت محرومیت از حقوق اجتماعی تا دو سال است ولی حداقل آن معلوم نیست.

### ۲،۲- تعلیق اجرای مجازات حبس

از دیگر تمهیدات قانونی که هم در قانون مجازات اسلامی سابق و هم در قانون لاحق دیده می‌شود، تعلیق اجرای مجازات است. بر اساس ماده ۴۶ ق.م.ا: «در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجراء احکام کیفری نیز پس از اجراء یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجراء احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید»<sup>۱۷</sup>. صدور قرار تعلیق اجرای مجازات منوط به احراز شرایط چهارگانه است: ۱- وجود جهات تخفیف، ۲- پیش‌بینی اصلاح مرتکب، ۳- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران، ۴- فقدان سابقه کیفری مؤثر.

تعلیق اجرای مجازات محکوم، نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و آن بخش از حکم که مربوط به پرداخت خسارت یا دیه است اجرا می‌شود و قابل تعلیق نیست. همچنین طبق ماده ۵۲ ق.م.ا «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی بی‌اثر می‌شود». تردیدی وجود ندارد که عبارت «عمد» مذکور در ابتدای ماده به همه موارد برمی‌گردد و بر همین اساس ارتکاب مجدد جرم موضوع ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات موجب لغو تعلیق نخواهد شد.

### ۲،۳- تخفیف مجازات حبس

چنانچه امکان تبدیل مجازات حبس به مجازات‌های جایگزین و یا تعلیق اجرای مجازات به دلیل فقدان شرایط قانونی میسر نشود و دادگاه بخواهد حکم به حبس دهد، حبس قابل تقلیل می‌باشد. بر اساس ماده ۳۷ ق.م.ا در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف (موارد احصا شده در ماده ۳۸)، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که مناسب‌تر به حال متهم باشد تقلیل دهد یا تبدیل کند. بر اساس بند الف ماده ۳۷، به دادگاه صرفاً اجازه داده شده است تا در مقام تخفیف، مجازات حبس را از یک تا سه درجه تقلیل دهد و در بند مذکور جواز

۱۷ در ماده ۵۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می‌کند. دادگاه در وقت فوق‌العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می‌گیرد».

می‌گردد. از آنجا که حبس موضوع ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات منطبق با بند ت ماده ۸۴ بوده، لذا در صورت حکم به خدمات عمومی رایگان، مدت این خدمات هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت (۱۰۸۰-۲۱۶۰) ساعت خواهد بود. آئین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی، در راستای تعیین انواع خدمات عمومی رایگان و دستگاه‌ها و موسسات پذیرنده محکومان در پنجم شهریورماه به تصویب هیات وزیران رسیده است؛ در ماده ۲ این آئین نامه خدمات عمومی رایگان در شش دسته، تقسیم بندی شده‌اند که در بند الف امور آموزشی و ... و در بند ب از جمله امور بهداشتی و درمانی ... آمده است. در ماده ۴ آئین نامه مذکور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در زورمره نهادهای پذیرنده موضوع این آئین نامه احصاء شده است.

### ۲،۱،۴- دوره مراقبت

بر اساس ماده ۸۳ ق.م.ا دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی (مانند، حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، اقامت یا عدم اقامت در مکان معین و...) محکوم می‌گردد. در بند ت این ماده، دوره مراقبت برای جرایم غیرعمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال تعیین شده است. از آنجا که مجازات حبس ماده ۶۱۶ منطبق بر بند ت این ماده است، بنابراین مدت آن، در فرض صدور حکم به دوره مراقبت، بین دو تا چهار سال خواهد بود.

### ۲،۱،۵- محرومیت از حقوق اجتماعی

از دیگر مجازات‌های جایگزین حبس که در ماده ۶۴ ق.م.ا احصاء شده، محرومیت از حقوق اجتماعی می‌باشد. منظور از حقوق اجتماعی همان حقوقی است که در ماده‌های ۲۳ و ۲۶ ق.م.ا پیش‌بینی شده است، مانند داوطلب شدن در انتخابات، انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم، استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی، استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری و ....

محرومیت از حقوق اجتماعی، به عنوان مجازات جایگزین، مقررات شفافی ندارد. چنانچه ماده ۸۷ ق.م.ا مبنا باشد، در آن صورت دادگاه نمی‌تواند محرومیت از حقوق اجتماعی را مستقلاً به عنوان مجازات جایگزین حبس مورد حکم قرار داده و ناگزیر باید یک مجازات جایگزین دیگر تعیین نماید. طبق ماده ۸۷ ق.م.ا دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم وی را به مجازات‌های تبعی یا تکمیلی نیز محکوم نماید، که با عنایت به بند پ ماده ۲۳ ق.م.ا، از جمله مجازات‌های تکمیلی در مورد پزشکان می‌تواند منع اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین - در شکل منع از اشتغال به شغل طبابت- باشد، که حداکثر به میزان دو سال خواهد بود. همچنین دادگاه می‌تواند منع از اشتغال به طبابت را به عنوان مجازات



## نتیجه گیری و پیشنهادات

قتل‌ها به دو دسته کلی عمد و غیرعمد و خود قتل غیرعمد نیز شبه‌عمد و خطای محض تقسیم می‌شوند. فوت بیمار ضمن معالجه و درمان توسط پزشک ماهیتاً قتل شبه‌عمد محسوب می‌گردد. مجازات قتل شبه‌عمد در صورت تقصیر مرتکب دیه و حبس (۱ تا ۳ سال) است. طبق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقام قضایی مختار بود با لحاظ برخی شرایط مجازات‌ها را تخفیف داده یا به مجازاتی مناسب‌تر به حال متهم تبدیل کند. هرچند در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ سهولت گذشته در تبدیل مجازات وجود ندارد، اما با توجه به تغییرات صورت گرفته در نظام مجازات‌های تعزیری، به ویژه از حیث درجه‌بندی و افزوده شدن برخی شرایط از جمله لزوم اخذ رضایت شاکی برای صدور حکم به مجازات جایگزین، امکان تبدیل حبس به دیگر ضمانت‌اجراها، دشوار شده است. به رغم این که حکم ماده ۶۱۶ تعزیرات، عام بوده و به صنف خاصی مربوط نیست، لکن برای پزشکان و کادر درمان با توجه به نوع کار و ماهیت حرفه آن‌ها، چالش‌های بیشتری ایجاد نموده است. هرچند بخشی از دغدغه‌های اخیر ناشی از عدم توجه دقیق به سایر مواد قانونی می‌باشد، ولی برخی از این نگرانی‌ها بجا بوده و لاجرم عمل طبابت را با مخاطرات جدی مواجه می‌کند. با این حال، با توجه به ارتباط تنگاتنگ امر طبابت با جان انسان‌ها و درمان آلام بیماران، لازم است در راستای کاهش دغدغه‌ها و نگرانی‌ها، ضمن توجه به آموزش صحیح مواد قانونی، تمهیدات لازمی اندیشیده شود و یا این که با الحاق یک تبصره به ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات، مجازات‌های مناسب‌تری غیر از حبس، مانند محرومیت از طبابت به مدت معین، برای پزشکان خاخی و مقصر به عنوان مجازات اسلامی پیش‌بینی گردد. عدم اصلاح شرایط موجود و نگرش‌های ایجاد شده، بدون تردید پیامدهای سوئی به همراه خواهد داشت که از جمله آن‌ها عدم پذیرش بیماران پُرخطر و بدحال از سوی مراکز درمانی و پزشکان، افزایش برخی هزینه‌ها از قبیل هزینه‌های اقدامات پاراکلینیکی برای مستندسازی و غیره می‌باشد. پُر واضح است که در این میان بیشترین ضرر متوجه بیماران و نیازمندان خواهد شد.

برای تبدیل حبس به دیگر مجازات‌ها مانند جزای نقدی، صادر نشده است. در واقع، اختیار تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی که بر اساس ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ امکان‌پذیر بود، با تصویب قانون ۱۳۹۲ از دادگاه سلب و به بیان دقیق‌تر محدود شد و در اوضاع جاری مجازات حبس صرفاً قابل تقلیل (کاهش) است و نه تبدیل؛ مگر در برخی موارد آن هم با حصول شرایط مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس. بنابراین در صورت صدور حکم به حبس، از آن‌جا که حبس تعزیری ماده ۶۱۶ منطبق بر درجه پنج می‌باشد، با عنایت به بند الف ماده ۳۷، حبس درجه پنج به حبس درجه شش، هفت و هشت قابل تخفیف خواهد بود. طبق ماده ۱۹ ق.م.ا. حبس درجه شش: بیش از ۶ ماه تا ۲ سال، حبس درجه هفت: ۹۱ روز تا ۶ ماه و حبس درجه هشت: حبس تا ۳ ماه می‌باشد.

طبق ماده ۳۷ ق.م.ا. حبس در مقام تخفیف، فقط قابل تقلیل است، و تنها در صورتی حبس قابل تبدیل می‌باشد که شرایط فصل نهم -از بخش دوم- قانون مجازات اسلامی و مواد مرتبط از جمله گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف رعایت گردد. این موضوع در بخشنامه اخیر رئیس قوه قضاییه<sup>۱۸</sup> مبنی بر توصیه به تبدیل مجازات حبس پزشکان به مجازات جایگزین حبس نیز آمده است.

### ۲،۴- موقوفی تعقیب پس از شمول مرور زمان

در ماده ۱۰۵ در خصوص مرور زمان آمده است که: مرور زمان، در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضاء مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی<sup>۱۹</sup> تا انقضاء این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد. بر این اساس با عنایت به بند پ ماده مذکور جرایم تعزیری درجه پنج -از جمله تعزیر ماده ۶۱۶- با انقضای مهلت هفت سال مشمول مرور زمان خواهند شد. به بیان دیگر با گذشت هفت سال از زمان وقوع جرم، چنانچه اقدام موثری برای تعقیب مرتکب صورت نگرفته باشد و یا این که از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی و یا تحقیقی طی مهلت مذکور حکمی صادر نگردد، دعوی کیفری مشمول مرور زمان شده، تعقیب یا رسیدگی حسب مورد موقوف خواهد شد. ناگفته پیداست موضوع پرداخت دیه مشمول مرور زمان قرار نمی‌گیرد و تنها مجازات حبس در شرایط فوق منتفی خواهد شد.

۱۸ بخشنامه شماره ۱۰۰/۸۶۷۵/۹۰۰۰ تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۶: «...از آن جا که قانون گذار در فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجازات‌های جایگزین حبس را تصویب و ابلاغ نموده، ضرورت دارد قضات دادگاه‌ها در رسیدگی به جرایم پزشکی نظر به حساسیت مشاغل پزشکی و با ملاحظه جایگاه متهم، دفعات یا کیفیت ارتکاب، قصد و نیت احسان به بیمار و سایر جهات مخففه در صورتی که قتل غیرعمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، در تعیین کیفر با رعایت فصل نهم قانون مذکور به‌ویژه مواد ۶۴، ۶۸، ۷۰، ۸۳، ۸۵ و ۸۶ حسب مورد از مجازات جایگزین حبس از نوع جزای نقدی و یا دوره مراقبت استفاده نمایند...»

۱۹ اقدام تعقیبی یا تحقیقی اقدامی است که مقامات قضائی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعین، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضائی انجام می‌دهند. (تبصره ۱ ماده ۱۰۵ ق.م.ا)

## References

1. Islamic Penal Code, 1370
2. Islamic Penal Code, 1392
3. Tazirat Act, 1375
4. Zeraat A., Offence Against Persons, First Edition, Tehran: Fekrsazan Publication; 2005. [Persian]
5. Rostami H., Taghdirat, 2013. [Persian]
6. Pad E., Specific Criminal Law, Third Edition, Tehran: ?; 1973. [Persian]
7. Sadeghi M.H., Offence Against Persons, Ninth Edition, Tehran: Mizan Publication; 2006. [Persian]
8. Nourbaha R., Background of General Criminal Law, Fifteenth Edition, Tehran: Ganjednesh Publication; 2006. [Persian]
9. Abbasi M., Medical Criminal Law, Second Edition, Tehran: Hoghooghi Publication; 2010. [Persian]
10. Ghasemzadeh S.M., The Foundations of Civil Liability, Third Edition, Tehran: Mizan Publication; 2006. [Persian]
11. Rahpeyk H., The Rights of Civil Liability and Compensations, Fifth Edition, Tehran: Khorsandi Publication; 2009. [Persian]
12. The law Concerning Punishment of Disruptors in Iran Oil Industry, 1957.
13. Abbasi M., Proceedings of Medical Law Articles 2, First Edition, Tehran: Hoghooghi Publication; 2000. 67. [Persian]
14. Code of Criminal Procedure, 1392.
15. Abbasi M., Proceedings of Medical Law Articles 6, First Edition, Tehran: Hoghooghi Publication; 2004. 64,197. [Persian]
16. Zeraat A., Brief Description of the Islamic Penal Code, First Edition, Tehran: Ghoghnoos Publication; 2013. [Persian]
17. Abbasi M., Proceedings of Medical Law Articles 3, First Edition, Tehran: Hoghooghi Publication; 2000. 139-151. [Persian]
18. Dalvand, F., The Division of civil Liability, First Edition, Tehran: Dadyar Publication; 2007. 29. [Persian]
19. MoavenateAmoozeshiGhovehyeGhazaeye, A Selection of Scientific Theses in the Field of General Criminal Law 1, First Edition, Tehran: Javedankherad Publication; 2007. 218. [Persian]
20. Elahimanesh, M., Criminal Law and Medical Violations, First Edition, Tehran: Majd Publication; 2007. 29. [Persian]
21. Amoozgar, M., Prosecute the Blame Doctor, First Edition, Tehran: Majd Publication; 2007. 29. [Persian]
22. Goldooziyan I., Commentation of Islamic Penal Code, Second Edition, Tehran: Majd Publication; 2014. 116-122. [Persian]
23. Aghaeniya H., Taghdiratof Specific Criminal Law. [Persian]
24. Goldooziyan I., Essentials of General Criminal Law, 13th Edition, Tehran: Mizan Publication; 2006. [Persian]
25. Validi M.S., Description of the Requirements of Islamic Penal Code, First Edition, Tehran: Jungle Publication; 2013. [Persian]

# Criminal Consequences of Medical Malpractice Resulting in Death And Its Legal Solutions

Hadi Rostami\* - Abdorrazagh Barzgar Bafrouee\*\* - Ali Asghar Ghorbani\*\*\*†

\*PHD in Criminal Law, Assistant Professor of BualiSina University, Hamedan

\*\*MD, Forensic Medicine Specialist, Assistant Professor of Legal Medicine Organization, Member of Legal Medicine Research Center, Tehran, Iran

\*\*\*MD & MSc in Criminal law, Member of Legal Medicine Research Center, Tehran, Iran

## Abstract

*One of the most challenging troubles for many of working groups, especially medicine personnel is sentence that asserts in article 616. The most important criminal outcome of the murder due to fault that essentially is called the quasi-intentional murder is imprisonment mentioned in above Article. According this article, if the fault of a person causes the death of another person, one of the punishments is prison that has listed at the top of the article. Involuntary manslaughter due to fault of guilty has from one to three years imprisonment. In other words legislature has considered from one to three years imprisonment for killing due to fault of guilty. In the Islamic Penal Code adopted in 1991, According to article 22, If there are ways to mitigate, Judges were empowered/allowed to relieve penalties or convert to another punishments and in a great number of cases prison sentences were converted into fines. But according to fundamental reforms in the latest Islamic Penal Code (2013), especially regulations of convert and discount that were based on grading system, It seems sentence of Article 616, can not easily be converted into fines.*

*Despite the changes were done and facing obstacles, there are still some strategies for overcoming the recent challenges. In this paper, we have studied legal ways of conversion, reduction or suspension of sentence under Article 616.*

**Key words:** *Involuntary Manslaughter, quasi-intentional murder, Fault/Failure, Reduced sentence, Suspense, Alternative Sentences*

Received: 1 July 2014

Accepted: 7 Jan 2015

†Correspondence: Legal Medicine Organization, Tehran, Iran

Tel: +98(21)55609071-4 Email: Dr.aaghorbani@yahoo.com